

## خبر ویژه

آغاز سومین طرح نیکوکاری اسنپ

**با اسنپ‌کلاب در تأمین هزینه‌های درمان کودکان بستری شریک شوید**



**•** سومین طرح نیکوکاری باشگاه مشتریان اسنپ با تمرکز بر تأمین کمک هزینه درمان کودکان بستری در بیمارستان از ابتدای این هفته با همکاری خیریه «حسن مهر» آغاز شد. کاربران اسنپ می‌توانند بدون پرداخت وجه نقد و با استفاده از امتیازهای اسنپ‌کلاب در این کار خیر مشارکت کنند. اسنپ به واسطه مسئولیت اجتماعی خود از ابتدای امسال امکان مشارکت در طرح‌های نیکوکاری را با باشگاه مشتریان خود فراهم کرده است. پیش از این طرح‌های «آموزش آنلاین منجر به اشتغال، افراد دارای معلولیت» و «حمایت از تحصیل دانش‌آموزان سیستان و بلوچستان» در اسنپ‌کلاب با استقبال گسترده کاربران روبه‌رو شده بود و حالا در سومین طرح، با عنوان «کمک هزینه درمان کودکان بستری در بیمارستان»، اسنپ قصد دارد با مشارکت کاربرانش در تأمین هزینه‌های درمانی کودکان کم‌برخوردار گام بردارد. این روزها، تأمین هزینه‌های درمانی، به دلیل مشکلات اقتصادی، برای بسیاری از خانواده‌ها دشوار شده است. در این میان کودکان می‌توانند آسیب‌پذیرتر از گروه‌های سنی دیگر باشند. خانواده‌های کم‌برخوردار که کودکان بیمار دارند برای تأمین هزینه‌های درمانی با مشکل زیادی روبه‌رو می‌شوند که در صورت برطرف‌نشدن می‌تواند به رهاکردن یا ناتمام‌گذاشتن فرایندهای درمانی منجر شود. این روند علاوه بر آسیب جدی به کودکان و خانواده‌هایشان می‌تواند خطرات بسیاری برای نسل بعدی جامعه به همراه داشته باشد. اسنپ با همکاری خیریه حس مهر و مشارکت کاربرانش می‌کوشد بخشی از هزینه‌های درمانی کودکان بستری کم‌برخوردار را تأمین کند. مؤسسه غیردولتی حس مهر فعالیت خود را از سال ۱۳۹۶ در زمینه تأمین مالی کمک‌هزینه درمان بیماران نیازمند در سراسر کشور آغاز کرده است.

**نحوه عملکرد در طرح نیکوکاری اسنپ**

کاربران می‌توانند برای مشارکت در سومین

طرح نیکوکاری اسنپ در این اپلیکیشن به بخش «اسنپ‌کلاب» بروند و «دسته‌بندی «نیکوکاری» را انتخاب کنند.
با انتخاب طرح «کمک هزینه درمان کودکان بستری در بیمارستان»، کاربران با اهدای ۲۰۰۰ امتیاز خود در این نیکوکاری مشارکت می‌کنند و اسنپ به ازای هر مشارکت چهار هزار تومان به حساب خیریه واریز می‌کند.

## خبر

**تعطیلی ۴ هفته‌ای جلسات علنی شورای شهر تهران در یکشنبه‌ها**
**•** شرق: درحالی‌که بر اساس روال گذشته و دوره پنجم شورای شهر تهران در روزهای یکشنبه جلسه و جلسه سخن علنی شورای شهر برگزار می‌شد، در دوره ششم، این چهارمین هفته است که جلسات سخن شورا در روزهای یکشنبه برگزار نمی‌شود. آخرین یکشنبه‌های که شورای شهر تهران جلسه علنی برگزار کرد، ۱۴ شهریورماه بود؛ نهمین جلسه علنی این شورا که علیرضا زاکانی در نخستین حضور خود به‌عنوان شهردار تهران (پس از امضای کمکش از سوی وزیر کشور)، در آن حضور داشت و امروز ۱۱ مهرماه، چهارمین یکشنبه متوالی‌ای است که شورای شهر تهران جلسه علنی نداشته است. یکشنبه ۱۱ شهریورماه اعلام شد شورا با فرماندهی انتظامی تهران بزرگ جلسه غیرعلنی داشته و اخبار کوتاهی از این جلسه از سوی نادعلی سخنگوی شورا در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت. یکشنبه ۲۸ شهریورماه هیچ جلسه‌ای برگزار نشد و ریاست و تعدادی از اعضای شورا در نشست صمیمی شهردار تهران با جمعی از فرمانان پارلمیک ۲۰۲۰ توکیو حضور پیدا کردند. یکشنبه چهارم مهرماه جلسه برگزار نشد و علت را نبود برخی اعضای شورا به‌دلیل شرکت در مراسم اربعین و حضور در کشور عراق عنوان کردند و دیروز یکشنبه ۱۱ مهرماه نیز جلسه علنی برگزار نشد و ناصر انانی از اعضای شورای شهر تهران از برگزاری جلسه هم‌اندیشی با شهردار تهران به‌صورت غیرعلنی خبر داد. پیش‌تر نیز رئیس شورای شهر تهران علت عدم برگزاری جلسات را دادن فرصت بیشتر به کمیسیون‌ها برای بررسی طرح‌ها و لوایح پیشنهادی و پخته‌شدن و آماده‌کردن آنها برای سخن علنی عنوان کرده بود اما این عدم برگزاری متوالی جلسات در روزهای یکشنبه، این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا قرار است سنت شورای چهارم مبنی بر غیرعلنی‌شدن یکی از جلسات هفته، در دوره ششم هم تکرار شود؟ در دوره چهارم روزهای سه‌شنبه معمولا جلسات غیرعلنی برگزار می‌شد که این موضوع در شورای پنجم منتهی و جلسات سه‌شنبه‌ها هم علنی شد.

نورا حسینی: روز سه‌شنبه ششم مهر و در حاشیه جلسه شورای شهر تهران، سردار فدوی، جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران، پس از یک سخنرانی طولانی در صحن به سؤالات تک‌تک خبرنگاران پاسخ گفت. سؤالاتی که بیشتر با موضوع همکاری سپاه و مدیریت شهری بود؛ دو ماه پس از بررسی گزارش تحقیق و تفحص از قراردادهای شرکت رسا تجارت وابسته به بنیاد تعاون سپاه و شهرداری تهران در شورای شهر تهران. گزارش‌هایی که پس از انتشار، اظهار نظرهای متفاوتی را به دنبال داشت. مدافعان شهردار وقت تهران تأکید داشتند که این‌پرونده ربطی به شهرداری تهران ندارد و تخلفات شریفی‌ای اگر به شهرداری مربوط بود، نباید در دادگاه نظامی محاکمه می‌شد؛ اما همان زمان، حسن مقیمی، نماینده وقت حقوقی هلدنگ یاس تأکید کرد که عیسی شریفی، نه به‌عنوان یک پاسدار، بلکه به‌عنوان قائم‌مقام وقت شهردار تهران، پرونده‌اش در مرجع قضائی در حال بررسی است و او نه به خاطر فعالیت‌هایش در سپاه بلکه به خاطر مسئولیتی که در شهرداری تهران داشت، محاکمه شده است؛ اما تلاش می‌شود در فضای مجازی گفته شود تخلفات او به شهرداری ارتباط ندارد که این‌گونه نیست.

این سخنان هم با تکذیب‌های غیررسمی چهره‌های رسانه‌ای نزدیک به شهردار وقت تهران روبه‌رو شد، دعوای توپیرتی که پایان هم نداشت. به‌عنوان یک خبرنگار شهری که بارها از تکذیب و تأیید دو جریانی که در این ماجرا نقش داشته‌اند، گزارش تهیه کرده‌ام، روبه‌رویم یک مقام مسئول که می‌تواند به شفاف‌شدن این موضوع کمک کند، ایستاده است و با صبوری به همه رسانه‌ها پاسخ می‌دهد. من چه سؤالی از او می‌توانم بپرسم که دوست‌داران شهردار وقت آن را شیطنت‌آمیز و با هدف تخریب ندانند. اینکه درباره ابهام این دو ماه

## جامعه

## شفاف‌سازی درباره یک گزارش



علی شریفی

شفاف‌سازی کنند که آیا عیسی شریفی که در دادگاه نظامی محاکمه شده، به‌عنوان پاسدار به دادگاه رفته است یا به‌عنوان مدیر شهرداری؟ تمام جملات سردار فدوی آمده است. دوستان فعال در بخش رسانه‌ای مجلس، فایل صوتی را حتما گوش داده‌اند. او در پاسخ به این پرسش که «می‌گویند آقای عیسی شریفی به‌عنوان پاسدار مجازات شده است و بعضی‌ها هم می‌گویند به‌عنوان قائم‌مقام شهردار؛ می‌خواهم بدانم الان ایشان تخلفات‌شان به‌عنوان یک پاسدار مطرح است یا یک مدیر وقت شهرداری تهران؟» گفت: «ببینید! آقای شریفی وقتی در سپاه بود، مسئول آماد شهید خرازی بود. شهید خرازی در اعلا علی شهیدا قرار دارد. آقای شریفی تا وقتی در سپاه بود، کسی از او به اندازه سر سوزنی تخلف سراغ ندارد. وقتی از سپاه بیرون آمده و در مجموعه‌های دیگر، این اتفاقات افتاد. بله، من تا آخر

سردار فدوی نشان می‌دهد که این وعده محقق شده است. اگر پرسیده شد که آیا قراردادهای سپاه با مدیریت شهری، محرمانه خواهد بود یا نه؟ به دلیل مواردی بوده که در گزارش‌های تحقیق و تفحص مطرح شده بود، از جمله اینکه دو قرارداد محرمانه فاینانس یک و دو، زمینه‌ساز تخلفات بوده است. متن جلسات شورا درباره گزارش‌های تحقیق و تفحص موجود است و بیکسری یک خبرنگار در این زمینه اتفاق عجیبی نیست.

گفته شد آقای میروچی اعتراف کرده‌اند که این پرونده ارتباطی به شهرداری تهران ندارد؛ درصورتی‌که محمود میروچی با بیان اینکه این نقل قول جعلی است، به «شرق» گفت: من چنین جمله‌ای نگفته‌ام و بارها تأکید کرده‌ام که عیسی شریفی، نماینده شهرداری در هلدینگ الماس و مؤسسه فرهنگی یاس بوده است. او با اشاره به نتایج گزارش تحقیق و تفحص از املاک واگذارشده شهرداری هم گفت: یک اساسنامه غیرمعتبر و جعلی برای سازمان املاک درست شده بود که در ماده ۶ این اساسنامه آمده بود که شهردار و قائم‌مقام او می‌توانند مناصب‌ها و مزایده‌های حوزه املاک مزاد شهرداری را وتو کنند که آن اتفاقات هم در آن حوزه افتاد و املاک شهرداری با تخفیف‌های بالا به مدیران و اعضای شورای وقت برخلاف قوانین بالادستی داده شد. میروچی تأکید کرد که متن گزارش‌های تحقیق و تفحص این موضوع را روشن بیان کرده است. می‌گویند طرح سؤال «شرق» از سردار فدوی با یک پیش‌فرض اشتباه است؛ یعنی عیسی شریفی در زمان حضور در شهرداری فعالیت‌هایی داشته که مربوط به شهرداری تهران نبوده و به‌عنوان مدیر شهرداری محاکمه نشده است. میروچی شفاف دراین‌باره می‌گوید: در قراردادهای هلدنگ الماس و مؤسسه یاس آقای شریفی نماینده محمدباقر قالیباف، شهردار وقت بوده و آقای آبرومند، نماینده سپاه.

### «شرق» از مشکلات مترجمان زبان اشاره گزارش می‌دهد

## مترجمان ناشنویان بی‌بهره از حقوق و حمایت



**خطر ابتلا به آرتروز و مشکلات مفصلی در کمین مترجمان ناشنوا**

مترجمان و رابطان ناشنوا از روی علاقه، عشق و احساس مسئولیت در این زمینه فعالیت دارند؛ «ما بیمه و حقوق مشخصی نداریم، حتی مترجمان صداوسیما هم با حداقل دستمزد و به صورت پروژه‌ای کار می‌کنند و به اندازه وقت و انرژی صرف‌شده دریافتی ندارند. این در حالی است که شغل مترجمی ناشنویان در کشورهای بسیاری شناخته‌شده است و از مزایا و حقوق متفاوت و مناسبی برخوردار هستند.» او به سختی‌های این شغل اشاره می‌کند: «یک مترجم، پیام را از طریق ادراکات مغزی دریافت و تحلیل کرده و آن را هم‌زمان به زبان اشاره تبدیل می‌کند. بدن به مرور زمان دچار فرسایش می‌شود. چشم‌ها به دلیل تمرکز طولانی‌مدت در نگاه‌کردن به نقطه مشخص ضعیف می‌شود. دست‌درد شدید، آرتروز و مشکلات مفصلی در کمین مترجمان است. مترجمانی که در این کار مهارت کافی دارند، متوجه گذشت زمان نشده و ممکن است ساعت‌های طولانی نیتشه یا ایستاده به کار اشاره مشغول شوند؛ به همین دلیل به مرور زمان فشار زیادی به دست‌ها وارد می‌شود.»

مونا کریمی آشنایوبن به زبان اشاره را برای کار مترجمی در حوزه ناشنویان کافی نمی‌داند: «یک مترجم باید علاوه بر آشنایی با زبان اشاره، درک درست و کاملی از اخلاقی، روحيات و فرهنگ ناشنویان داشته باشد. یک مترجم باید به اندازه کافی صبور و همدل شود تا فرد ناشنوا بتواند با مترجم ارتباط برقرار کند و حتی مترجم را ببیند. مترجمانی که مثل من از خانواده شنوا بوده‌اند و قدم در این راه گذاشته‌اند، باید بدانند که برقراری ارتباط با عزیزان ناشنوا نیازمند توجه و دقت است. این‌طور نیست که فقط به شرکت با اشاره و مکالمتی‌کار ترجمه انجام شود، باید توانست حرف دلشان را در درک در و رعایت هم‌زمان تمام این الزامات بسیار سخت است.»، گاهی برخی حواشی پیش‌آمده، انرژی زیادی از ما مترجمان می‌گیرد؛ «متأسفانه گاهی اختلاف‌نظر میان مدیران حوزه ناشنویان در عملی‌کردن اهداف مشترک یا مافیایی که گاهی در انتخاب مترجم برای بعضی از برنامه‌ها دیده می‌شود و حرف و حدیث‌های پیش‌آمده، باعث به‌حاشیه‌رفتن مسائل مهم ناشنویان شده و آسیب بیشتری برای نیل به اهداف وارد می‌کند؛ درحالی‌که مترجمان و مدیران ناشنویان و ما که مترجمانی از خانواده‌های شنوا هستیم و با علاقه و دواطلبانه وارد این عرصه شده‌ایم، همه یک هدف مشترک داریم و آن هم ناشنویان و حمایت از آنهاست. وجود اعتماد و همدلی میان ما، حسن حمایتگری‌مان را نسبت به یکدیگر تقویت کرده و ما را به اهداف‌آشنا که احقاق حقوق ناشنویان است، نزدیک‌تر می‌کند.»

**توجه به ناشنویان در صداوسیما تنها برای یک هفته!**

«نمین سالاریه»، مترجم و مدرس زبان اشاره، به عملکرد صداوسیما در حوزه تولیدات برای جمعیت ناشنویان انتقاد دارد: «هر سال به مناسبت هفته جهانی ناشنویان جشن‌هایی در سطح کشور برگزار می‌شود که دو سال است به خاطر شیوع کرونا امکان برگزاری جشن و مراسم فراهم نبود. صداوسیما هم در هر شبکه‌ای از یک ناشنوا دعوت می‌کند و مترجم‌ها هم در رسانه ملی و شبکه‌های مجازی به کار ترجمه برای ناشنویان مشغول می‌شوند و تمام این تدابیر تنها برای یک هفته است و بعد از آن تمام این برنامه‌ها تا سال بعد کنار گذاشته می‌شوند. ما مترجمان به صداوسیما پیشنهاد می‌دهیم که این یک هفته را جابه‌جا کنند؛ برنامه‌ها و تولیدات تنها برای یک هفته به افراد شنوا و مابقی برای افراد ناشنوا اختصاص یابد تا افراد شنوا، به‌ویژه مسئولان، متوجه شوند که

## خبر

**۲۲۹ فوتی جدید کرونا در کشور**

**•** شرق: بنابر اعلام روابط عمومی وزارت بهداشت، متأسفانه ۲۲۹ بیمار کووید-۱۹ از دم تا ۱۱مهرماه جان خود را به دلیل این بیماری از دست دادند. براساس معیارهای قطعی تشخیصی، ۱۲ هزار و ۴۲۸ بیمار جدید مبتلا به کووید-۱۹ در کشور شناسایی شد که هزار و ۶۶۷ نفر از آنها بستری شدند. مجموع بیماران کووید-۱۹ در کشور به پنج‌میلیون و ۶۲۴ هزار و ۱۲۸ نفر و مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۱۲۱ هزار و ۱۰۹ نفر رسید. تاکنون پنج‌میلیون ۹۵ هزار و ۶۲۷ نفر از بیماران، بهبود یافته یا از بیمارستان‌ها ترخیص شده‌اند. هزار و ۷۵۸ نفر از بیماران مبتلا به کووید-۱۹ در بخش‌های مراقبت‌های ویژه بیمارستان‌ها تحت مراقبت قرار دارند. درحال‌حاضر ۱۶ شهر کشور در وضعیت قرمز، ۱۹۸ شهر در وضعیت نارنجی، ۱۷۶ شهر در وضعیت زرد و ۵۸ شهر در وضعیت آبی قرار دارند.

### ادامه از صفحه ۸

**عصر گمشده جنبش‌های ایران**

... یعنی این در ایران ناشی از کنترل اجتماعی است که نیروی غالب آن استفاده می‌کند.

این وضعیت دست‌کم در همه برهه‌های تاریخ معاصر ایران قابل مشاهده است، یعنی کسانی که به قدرت می‌رسند، برای اینکه خودشان را حفظ کنند، برای اینکه در برابر نیروهای قدرتمند اجتماعی تاب مقاومت داشته باشند، به کنترل اجتماعی روی می‌آورد. این کنترل اجتماعی در هر دوره واجد خصلت‌های متفاوتی بوده است. در دوره صفویه و قاجاریه، بیشتر از طریق منازعه طبقاتی و منازعه گروه‌های سیاسی و اجتماعی اتفاق می‌افتاده است. یعنی دولت این گروه‌ها را به جان هم می‌انداخته تا هیچ‌کدام نتوانند در عرصه سیاسی عنصر مسلط شوند. در دوره پهلوی چون این‌کنترل اجتماعی فراگیرتر بوده و ابزارهای متنوع‌تری نیز در اختیار دولت بوده، از طریق رادیو و تلویزیون، ابزار نظامی، اجتماعی، فرهنگی و… این کنترل اجتماعی اعمال می‌شده است؛ بنابراین من فکر می‌کنم که استبداد در ایران و اینکه عاملی برای شکست جنبش اصلاحی در ایران می‌شود، به این خاطر بوده که جامعه قدرتمند ایران با تأکید بر عناصر پیشامدرنی که در درون آن وجود دارند، امکان یک حوزه همگانی گسترده را در ایران از بین برده‌اند؛ برای مثال، در طول دوره صفویه، هم‌زمان با غرب یک حوزه همگانی داشته‌ایم. خیلی جالب است که در غرب پیش رفقا اما عناصر نیرومندی در ایران باعث شد که این وضعیت دیری نپاید و توفیق نیابد. در ادامه نیز ما نتوانستیم واجد شکل نیرومندی از حوزه همگانی باشیم و این حوزه از بین رفت. حوزه همگانی که نباشد، دولت بهتر می‌تواند کنترل اجتماعی را اعمال کند. اگر حوزه همگانی در ایران گسترش پیدا می‌کرد، دولتی هم که سر کار می‌آمد، برآمده از این حوزه همگانی و بازتابی از عناصر نیرومند این حوزه بود و بهتر می‌توانست در راستای دموکراسی گام بردارد. می‌بینیم که در غرب دولت‌ها حتی این امکان را ندارند که مستبد باشند.

۱۱ سپتامبر اتفاق افتاد. کرونا رخ داد، اما این موارد باعث نمی‌شود که دولت در آن کشورها خصلت استبدادی پیدا کند به این خاطر که حوزه همگانی در آن کشورها بسیار قدرتمند بوده و دوا ی درد ما نیز به نظرم همین حوزه همگانی است. بیچستی در ایران اتفاق افتاده به این معنی که دولت و نیروهای پیشامدرن امکان شکل‌گیری یک حوزه همگانی توانمند را سلب کرده‌اند؛ در عین حال، حوزه همگانی نیز بسیار ضعیف است و امکان گسترش آن به شوهه‌های سنتی و مدرن خیلی محدود و شاید مقطعی وجود دارد و همیشه هم یادمان باشد که دولت حتی می‌تواند اینترنت را نیز قطع کند.

**❄️ در واقع شما تفکرات تعدال و توازن دولت قوی-جامعه قوی را ممکن و مطلوب می‌دانید؟**

بله- من فکر می‌کنم که دولت باید در ایران قوی شود بدین خاطر که دولت همواره در بعد از انقلاب مشروطیت در ایران، کارگزار مدرن بوده است. یعنی اتفاقا دولت قصد داشته که این کار را انجام دهد اما مقاومت نیروهای پیشامدرن آن‌قدر قوی بوده که علای آن را به لغایب می‌بخشد. اگر دولت قدرتمند شود، به منزله این نخواهد بود که به کنترل اجتماعی روی بیاورد یا جامعه را محدود کند. برعکس، من معتقدم دولت مدرن، دولتی است که کارویژه‌های تئوریهی خود را درست انجام می‌دهد. یکی از مسائلی که ما هنوز با آن دست به گریبانیم این است که دولت نمی‌تواند بحران تزویج را به نحو مطلوب و مؤثری حل‌وفصل کند. بحران‌های دیگر، بحران نفوذ، اقتدار، مشارکت و… است. بنابراین این کارویژه‌های اصلی که دولت باید انجام دهد همین موارد است نه اینکه در عرصه عمومی دست به کنترل اجتماعی بزند یا در زدنگی خصوصی شهروندان مداخله کند. این به این خاطر بوده که چون دولت از انجام کارویژه‌های اساسی خود برده‌اند و ناتوان است، باید به کنترل اجتماعی روی می‌آورد تا بلکه امکان خلق یک جنبش اجتماعی را منفی کند در حالی که دولت قوی دولتی است که کارویژه‌های خود را درست انجام می‌دهد و در درست انجام‌دادن این کارویژه‌هاست که خودش را حفظ می‌کند و امکان اقبال مردم به خودش را نیز افزایش می‌دهد.

این روزها فضای مجازی به شناخته‌شدن هرچه بیشتر فعالیت مترجمان کمک زیادی کرده است. انتشار فعالیت‌های خودجوش مترجمان در فضای مجازی و انعکاس فیلم‌های تولیدی آنها، فضا را بهتر از سال‌های ابتدایی کرده و باعث شناخته‌شدن فعالیت مترجمان شده است. اگر چنین فضایی هم وجود نداشت، هیچ‌گونه امکانی برای دسترسی به اندکی از حقوق برابر برای ناشنویان و کم‌شنویان وجود نداشت. ناشنویان به‌عنوان شهروند، باید از حق و حقوق یکسانی برخوردار باشند، اما همچنان نسبت به نیازها، مشکلات و حقوق ضروری‌شان بی‌اعتنایی می‌شود.